

شگرد انگلیسی‌ها برای شکست نهضت مشروطه

عمل می‌کنیم، اگر دانستیم که موقعیت ما به نحوی است که دشمن از ما حساب می‌برد، جور دیگری عمل می‌کنیم.» ۹۷/۱۲/۲۳
در مرتبه دوم، «هر کشوری، هر جامعه‌ای حوادثی دارد؛ این حوادث بعضاً حوادث خوب است، بعضاً حوادث تلخ است... نوع مواجهه‌ی ما با این حوادث خیلی مهم است که چه جور با این حوادث مواجه بشویم.» ۹۷/۱۲/۲۳
مثلاً «یک وقت انسان وارد میدان می‌شود اما می‌ترسد... این یک جور عکس‌العمل و واکنش و حضور در مقابل دشمن است، یک وقت بادلیبری وارد می‌شود. در روایات دارد «خُضَّ الْعَمْرَاتِ لِلْحَقِّ» و وارد میدان می‌شود با دلبری، با شجاعت؛ این هم یک جور دیگر برخورد. ببینید، ما نگاه کنیم به وضع کشورهای دنیا؛ کشورهایی که ما با آنها آشنا هستیم، مسائلشان را می‌دانیم؛ هر دو جور حرکت‌ها را ما در کارهای این‌ها می‌بینیم.» ۹۷/۱۲/۲۳

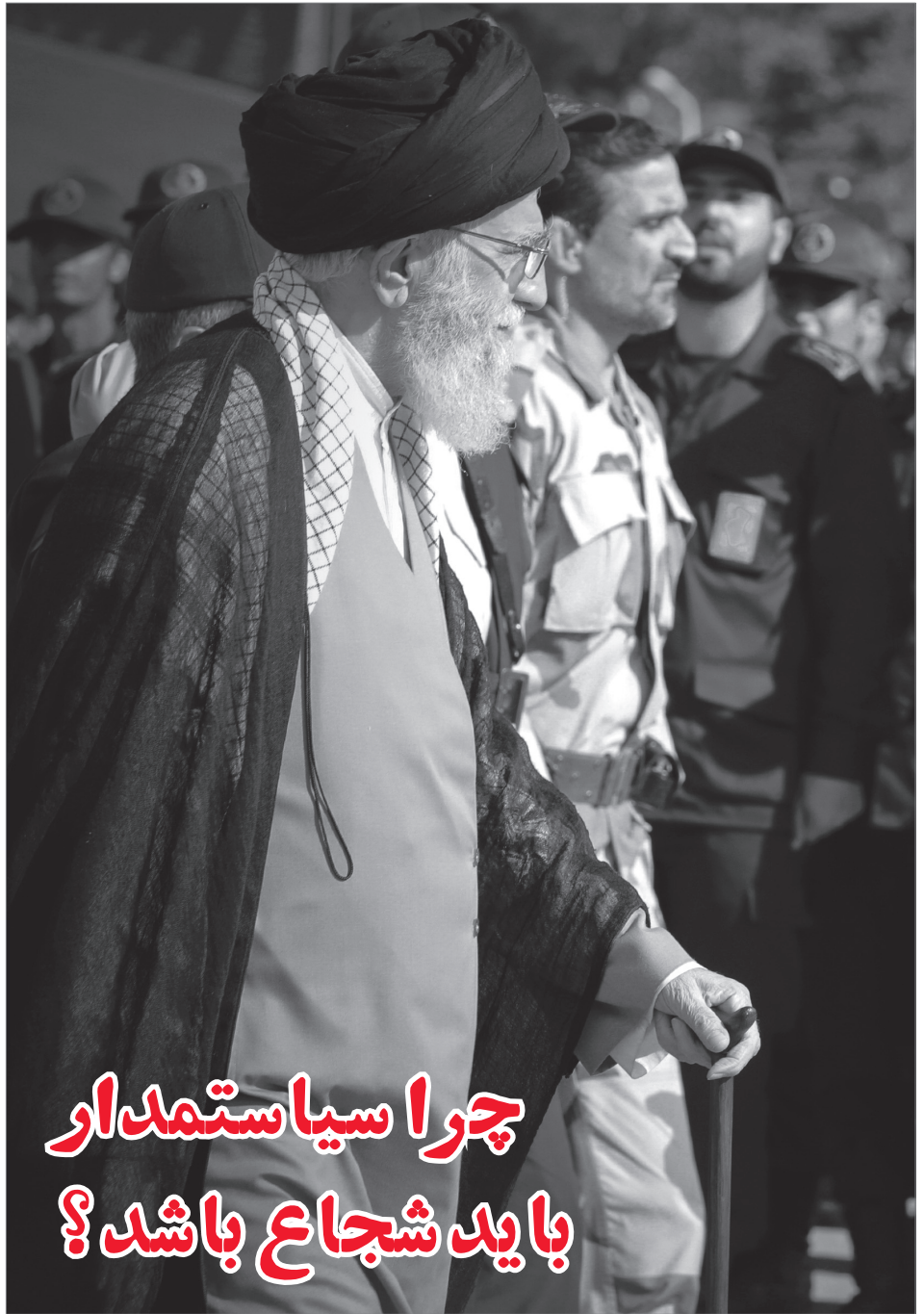
همه این کشورها از آمریکا می‌ترسند جز شما

«این خاطره را بارها نقل کرده‌ام که در یکی از مجامع بین‌المللی که نطق خیلی پرشوری در آن جا علیه تسلط قدرت‌ها و نظام سلطه در دنیا ایراد کردم و آمریکا و شوروی را در حضور بیش از صد هیأت نمایندگی و رؤسای دولت‌ها، به نام کوبیدم و محکوم کردم، بعد از آن نطق، عده‌ی زیادی آمدند تحسین و تصدیق کردند و گفتند: همین سخن شما درست است. یکی از سران کشورها که یک جوان انقلابی بود - و البته بعد هم او را کشتند - نزد من آمد و گفت: همه‌ی حرف‌های شما درست است، منتها من به شما بگویم که به خودتان نگاه نکنید که از آمریکایی‌ترسیده؛ همه‌ی این‌هایی که در این جا نشسته‌اند، از آمریکا می‌ترسند! بعد سرش را نزدیک من آورد و گفت: من هم از آمریکا می‌ترسم!» ۶۸/۱۱/۱۹

«در شرایط مرعوب شدن، ترسیدن، مضطرب شدن، متلاطم شدن، حتی باورهای قطعی انسان هم از یاد می‌رود. انسان مرعوب، این طور است. «جبن»، هم عقل را از کار می‌اندازد، هم عزم را. انسان مرعوب و جَبان، نه درست می‌تواند فکر کند، نه درست می‌تواند عزم و اراده خودش را به کار بیندازد؛ دائم یک قدم به جلو برمی‌دارد و یک قدم به عقب. این است که پیغمبر اکرم به امیرالمؤمنین در آن وصیت معروف خود فرمود: «ولاتشاورنَّ جباناً، لانه یضیق علیک المخرج»؛ با آدم جبان و ترسو در هیچ کاری مشورت نکن، زیرا که گریزگاه و دریچه‌ی فرج را بر رویت می‌بندد. انسان وقتی که مرعوب نیست، می‌تواند درست فکر کند، درست تصمیم بگیرد و از این مانع عبور کند؛ اما وقتی مرعوب شد: «یضیق علیک المخرج»؛ به بکنم، نکنم دچار می‌شود و خود را دست بسته تسلیم می‌کند.» ۸۲/۷/۲۳

امام از هیچ چیزی نمی‌ترسید

در مقابل، «ما نه فقط در عمل احتیاج به شجاعت داریم، در فهم هم احتیاج به شجاعت داریم. در فهم فقیهانه، احتیاج به شجاعت هست؛ اگر شجاعت نبود، حتی در فهم هم خلل به وجود خواهد آمد. درک روشن از کبریات و ضغریات؛ گاهی انسان کبریات را درست می‌فهمد.» ۴۳



چرا سیاستمدار باید شجاع باشد؟

ما بدانیستیم که الان در کجا قرار داریم؛ ما کجا هستیم، دشمن کجا هست، جایگاه ما چیست؟... فرض کنید اگر چنانچه ما ندانیم که موقعیت مادر منطقه الان به نحوی است که دشمن از ما حساب می‌برد، یک جور

یک سیاستمدار برای آنکه بهترین تصمیم را بگیرد، در مرتبه اول باید بداند که «در کجای تاریخ ایستاده است؟» برای همین «شناخت واقعیت‌های میدان» مهم است. «یعنی



حزب الله این است | ۴۳
تفاوت بین انقلابی مثبت با انقلابی منفی

خبر هفته | ۲۴
واکنش رهبر انقلاب اسلامی به جنایت اخیر رژیم آمل خلیفه

خاطرات رهبری | ۴۴
وسایلی که رهبر انقلاب در زندان همراه خود داشت

شهید حقیقت را در لابلای ظلمت زمانه می‌بیند | این شماره تقدیم می‌شود به ارواح طیبه شهدای عملیات ناراالله

شهیدان عزیز جزو کسانی بودند که نور حقیقت را در لابلای ظلمت‌های متراکم زمانه دیدند و به سوی آن شتافتند. مهم این است. خیلی‌ها حقیقت را نمی‌بینند و نمی‌فهمند؛ خیلی‌ها حقیقت را می‌بینند، ولی شهامت و جرأت اقدام برای حقیقت را ندارند؛ اما کسی که هم توانایی آن را دارد که حقیقت را بباید و ببیند و هم جرأت و دلبری این را دارد که به سوی حقیقت بشتابد و وظیفه خود را در این راه انجام دهد، او در هر برهه‌ای از زمان که باشد، یک انسان برجسته است؛ پیر باشد، جوان باشد، نوجوان باشد، زن باشد، مرد باشد؛ در هر قشری از قشرهای اجتماعی باشد. ● ۸۰/۸/۲۰ * عملیات ناراالله در ۱۵ مرداد سال ۱۳۶۱ با هدف آزادسازی ارتفاعات مهم مشرف بر منطقه، تأمین کامل جاده قصر شیرین به سرپل ذهاب صورت پذیرفت که با پیروزی رزمندگان اسلام این عملیات به پایان رسید.



در آغاز انقلاب اسلامی ادعاهایی اعلام می‌شد، در حال حاضر چقدر به آن ادعاها رسیده‌ایم؟

این سؤال مهمی است. این انقلاب بیش از ادعا، آرمانهایی داشت. انقلاب نیامده بود که برای مردم ایران پاسخگویی کند. انقلاب، انقلاب خود مردم بود. مردم برای تحقق آرمانهایی انقلاب کردند. این آرمانها عبارت بود از ساختن یک ایران آباد و آزاد، داشتن مردم آگاه و برخوردار از عدالت اجتماعی، نجات از وابستگی و عقب‌ماندگی علمی و استبداد و قه‌ری که آن روز بر این مملکت حکمفرما بود. می‌رسید ما چقدر به این اهداف رسیده‌ایم؛ من عرض میکنم که تحقق این اهداف، تدریجی است؛ چیزهایی است که باید برای آن تلاش و مجاهدت کرد و قدم به قدم پیش رفت. نظام اسلامی، یک نظام پیش‌ساخته - مثل خانه‌های پیش‌ساخته - نیست؛ نظامی است که باید آجر آجر و سنگ سنگ روی هم چید و آن را بالا برد. در اثنای این کار، طبیعی است که مشکلاتی پیش بیاید. این مفاهیمی هم که من گفتم - عدالت اجتماعی، آزادی، آگاهی، معنویت؛ که جزو مبانی این نظامند - مفاهیم ایستا و متحجری نیستند. اینها چیزهایی هستند که بر حسب پیشرفت و اقتضانات زمان، ممکن است مصادیقشان تغییر پیدا کند... بنابراین ما پیشرفت زیادی کرده‌ایم؛ منتها اگر از من بپرسید که آیا به این حد قانعم، پاسخ من این است: **ابداً! ۲۲/۱۲/۷۹**

واکنش رهبر انقلاب اسلامی به جنایت اخیر رژیم آل خلیفه

در پی شهادت دو تن از جوانان بحرینی توسط رژیم آل خلیفه بحرین، حساب توثیتر عربی پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب اسلامی، موضعی از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در واکنش به این جنایت را منتشر کرد. رهبر انقلاب درباره‌ی این حادثه فرمودند: «ظلم و زور پایدار نخواهد ماند و تصمیم و اراده‌ی ملت‌های عدالت‌طلب سرانجام پیروز خواهد شد.» گفتنی است رژیم آل خلیفه در ادامه سرکوب معترضان خود، روز شنبه‌ی هفته جاری دو تن از جوانان بحرینی به نام‌های «حمد الملالی» ۲۴ ساله و «علی‌العرب» ۲۵ ساله، را پس از شکنجه، اعدام کرد.●

نه نکته در باره نهضت مشروطه از نگاه رهبر انقلاب

شگرد انگلیسی‌ها برای شکست نهضت مشروطه

«من به جوانان عرض می‌کنم، با تاریخ گذشته‌ی نزدیک کشور تان آشنا شوید؛ چون یکی از راه‌های فریب و اغواگری، تحریف تاریخ است که امروز متأسفانه این کار به‌وفور صورت میگیرد.» ۸۰/۸/۲۰ آنچه خواندید تنها نمونه‌ای از توصیه‌ی مکرر رهبر انقلاب به جوانان مبنی بر مطالعه‌ی تاریخ و تقویت حافظه‌ی تاریخی جامعه است. رهبر انقلاب اما به این توصیه‌ی کلی اکتفا نکرده‌اند و به مصادیقی از موضوعات تاریخی و سرفصل‌هایی که می‌تواند در برنامه‌ی مطالعات جوانان و نوجوانان قرار گیرد نیز اشاراتی داشته‌اند. مطالعه‌ی تاریخ انقلاب‌های معاصر، تاریخ مشروطه، تاریخ ملی شدن صنعت نفت، تاریخ دفاع مقدس و تاریخ انقلاب اسلامی از این جمله است. نشریه‌ی **خط حزب‌الله** به مناسبت سالگرد امضای فرمان مشروطه، در گزیده‌ی بیانات پیش رو، مروری کرده‌است بر دیدگاه‌های کلیدی رهبر انقلاب درباره‌ی نهضت مشروطه.

مشروطه چگونه شکل گرفت

دوران استبداد حکومت قاجار مردم را به جان آورده بود. مردم و دلسوزان جامعه قیام کردند؛ پیشرو آنها هم علمای دین بودند. در نجف، مرجع تقلیدی مثل مرحوم آیت‌الله آخوند خراسانی؛ و در تهران سه نفر عالم بزرگ - مرحوم شیخ فضل‌الله نوری، مرحوم سید عبدالله بهبهانی، مرحوم سید محمد طباطبایی - پیشوایان مشروطه بودند... اینها می‌خواستند که در ایران عدالت برپا شود؛ یعنی استبداد از بین برود. وقتی که جوش و خروش مردم دیده شد، دولت انگلستان که آن وقت در ایران نفوذ بسیار زیادی داشت و از عواملی در میان روشنفکران بر خوردار بود، اینها را دید و نسخه خودش را به اینها القاء کرد. البته در بین همان دلسوزان هم عده‌ای از روشنفکران بودند. حق آنها نباید ضایع شود؛ لیکن یک عده روشنفکر هم بودند که مزبور و خود فروخته و از عوامل انگلیس محسوب می‌شدند. این روشنفکران به جای این که دنبال دستگاه عدالت باشند و یک ترکیب ایرانی و یک فرمول ایرانی برای ایجاد عدالت به وجود آورند، مشروطیت را سر کار آوردند. ۱۳۷۹/۷/۱۴

نهضتی که ضد استعماری و ضد استبدادی بود

وقتی به علما نگاه می‌کنیم، می‌بینیم سابقه‌ی فعالیت علما خیلی بیش از دوره‌ی مشروطیت است. شاخصه‌ی آن فعالیت‌های قبلی، «ضد بیگانه‌بودن» بود... اصلاً وجه ضد استبدادی در فعالیت‌های علما، یک وجه منطقی در جنبه‌ی ضد بیگانه‌و ضد استعماری بود... نتیجه این است که اگر کسی وجه ضد سلطه‌ی بیگانه را در حرکت مشروطه ندیده بگیرد، مثل این است که ماهیت و هویت این حرکت را ندیده گرفته‌است. ۸۵/۲/۹

عدالتخواهی شعار اصلی علمای مشروطه

ا‌در نهضت مشروطه اشعار علما، «عدالت‌خواهی» بود. به طور مشخص آنچه که می‌خواستند، «عدالت‌خانه» بود. این، یک توقع اخلاقی نبود؛ چون خواست عدالت چیزی نبود که این همه سر و صدا بخواهد... اما این جنجالی که به وجود آمد و آن تحصن‌ها، آن ایستادگی‌ها و بعد مقابله‌هایی که با دستگاه استبداد شد و فداکاری‌هایی که انجام گرفت، فقط یک در خواست اخلاقی محض نبود، بلکه آنها چیز دیگری را که فراتر از یک در خواست اخلاقی بود، می‌خواستند. ۸۵/۲/۹

هدف مشروطه خواهان، جلوگیری از ظلم شاه بود

اعلما و متدینین می‌خواستند یک دستگاه قانونی‌ای وجود داشته باشد که بتواند پادشاه و همه‌ی سلسله مراتب حکومتی را تحت کنترل و نظارت خودش قرار بدهد... حالا این میتوانست تفسیر شود به مجلس شورای ملی یا مجلس شورای اسلامی؛ میتوانست تفسیر شود به یک چیز دیگر. آنچه آنها می‌خواستند یک نهاد عملی و یک واقعیت قانونی بود که قدرت این را داشته باشد که جلوی شاه را بگیرد؛ چون شاه اسلحه و سرباز داشت که اگر می‌خواستند جلوی او را بگیرند، طبعاً بایستی این دستگاه قدرتی فراتر از سرباز و سربازخانه داشته باشد. ۸۵/۲/۲۹

مردم و علما عدالت اسلامی می‌خواستند

معیار این عدالت، قوانین اسلامی بود؛ یعنی «عدالت اسلامی» می‌خواستند؛ در این هیچ تردیدی نیست و این را بارها و بارها گفته بودند. آنچه که مورد در خواست مردم بود این بود، که متشن هم مواد اسلامی و احکام اسلامی و قوانین اسلامی است. انگلیس‌ها ... آمدند بر این موج فرصت طلبانه مسلط شدند و این را گرفتند و از شاه عبدالعظیم هدایتش کردند به سفارت انگلیس، بعد هم گفتند مشروطه! مشروطه هم از نظر الهام‌دهندگان معلوم بود که معنایش چیست! ۸۵/۲/۲۹

خوش باوری، کار دست علما داد!

انسان وقتی به اظهاراتی که مرحوم آسید عبدالله بهبهانی و مرحوم سید محمد طباطبایی در مواجهه و مقابله‌ی با حرف‌های شیخ فضل‌الله و جناح ایشان داشته‌اند، نگاه می‌کند، این مسئله را در می‌یابد که عمده‌ی حرف‌ها به همین است که ... حرف‌هایی را که از سوی روشنفکرها و به‌وسیله‌ی عمال حکومت گفته می‌شد و وعده‌هایی را که داده می‌شد، حمل بر صحت می‌کردند. این طور می‌گفتند که: شما دارید عجله می‌کنید؛ سوءظن دارید؛ اینها قصد بدی ندارند؛ اینها هدفشان دین است! این مسائل در مکاتبات، نامه‌های صدراعظم و... به مرحوم آخوند منعکس شده است. انسان می‌بیند که حساسیت آنها را در مقابل انحراف کم کرده‌اند؛ اما حساسیت بعضی‌ها مثل مرحوم آ‌شیخ فضل‌الله باقی ماند؛ اینها حساس ماندند؛ اصرار کردند و در متمم، آن مسئله‌ی پنج مجتهد جامع‌الشرایط را گنجانند و مقابله کردند. یک جمع دیگری از همین جبهه، این حساسیت را از دست دادند و دچار خوش‌باوری و حُسن ظن و شاید هم نوعی تغافل شدند. ۸۵/۲/۲۹

نهضت از مسیر خودش منحرف شد

نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که این نهضت عظیم مردم که پشت سر علما و به نام دین و با شعار دین خواهی بود، بعد از مدت بسیار کوتاهی منتهی به این شد که شیخ فضل‌الله نوری را در تهران به دار کشیدند. اندک زمانی بعد، سید عبدالله بهبهانی را در خانه‌اش ترور کردند. بعد از آن هم سید محمد طباطبایی در انزوا و تنهایی از دنیا رفت. آن وقت مشروطه را هم به همان شکلی که خودشان می‌خواستند برگرداندند؛ مشروطه‌ای که بالاخره منتهی به حکومت رضاخانی شد! ۱۳۷۹/۷/۱۴

غفلتی که امام خمینی (ره) دچار آن نشد

من به انقلاب خودمان که نگاه می‌کنم، می‌بینم هنر بزرگ امام این بود که دچار این غفلت نشد؛ اساس کار امام این است. امام اشتباه نکرد که حرفی را که گفته بود و هدفی را که اتخاذ کرده بود، در سایه‌ی تنبیه و ظاهرسازی‌های شعارهای دیگران گم کند و فراموش کند. این، اساس کار موفقیت امام بود که مستقیم به طرف هدف پیش رفت؛ صریح و عریان آن را جلوی چشمش قرار داد و به طرف آن حرکت کرد. متأسفانه این کار را زعمای روحانی و مشروطه نکردند و برایشان غفلت ایجاد شد، فلذا اختلاف شد. اختلاف که به وجود آمد، آنها تسلط پیدا کردند. ۸۵/۲/۲۹

۱۳ در صُغریات اشتباه می‌کند. این در ک صحیح از مبانی دین و از موضوعات دینی و از موضوعات خارجی منطبق با آن مفاهیم کلی و عمومی یعنی کُبریات و صُغریات احتیاج دارد به اینکه ما شجاعت داشته باشیم، ترس نداشته باشیم؛ و الاً ترس از مال مان، ترس از جان مان، ترس از آبرویمان، انفعال در مقابل دشمن، ترس از جَو، ترس از فضا، اگر این حرف را بنویسم، علیه ما خواهند بود؛ اگر این حرف را بنویسم، فلان لکه را به ما خواهند چسباند؛ این ترس‌ها فهم انسان را هم مختل می‌کند. گاهی انسان به خاطر این ترس‌ها، به خاطر این ملاحظات، صورت مسئله را درست نمی‌فهمد؛ نمیتواند مسئله را درست درک بکند و حل بکند؛ موجب اشتباه خواهد شد. ۸۸/۷/۲۲

بنابر این «در مواجهه‌ی با حوادث نباید دچار ترس و دلپره شد. اَلَا اِنَّ اَوْلِیاءَ اللّٰهِ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لَا هُمْ یَحْزَنونَ؛ این آیه [در سوره‌ی یونس است نگاه کردیم، در سوره‌ی بقره اهم] شاید چهار پنج جا لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنون در مورد مؤمنین آمده. خوب این به خاطر ایمان است، به خاطر ارتباط با خدا است، به خاطر قبول ولایت الهی است؛ خوف و مانند آن نباید باشد. امام (رضوان الله علیه) واقعاً نمی‌ترسید. ما یک وقتی خدمت ایشان نشستیم بودیم - همان اوّل انقلاب؛ همان وقت‌هایی که با آن بنده خدا یک‌بند داشتیم سر قضایای نیروهای مسلّح و این حرف‌ها- بنده به ایشان گفتم «علت اینکه شما مثلاً فلان جمله را در باره‌ی فلان شخص گفتید این است که می‌ترسید...» می‌خواستم بگویم «می‌ترسید که نیروهای مسلح مثلاً بدشان بباید»، تا گفتم «می‌ترسید»، ایشان همین جور بلافاصله گفتند «من از هیچ چیز نمی‌ترسم». ایشان منتظر نشدند که متعلق ترس را بگویم؛ تا گفتم «شما می‌ترسید»، ایشان گفتند «من از هیچ چیز نمی‌ترسم». واقعاً هم همین جور بود؛ ایشان از هیچ چیز نمی‌ترسید. ۹۷/۱۲/۲۳

اگر مسئولین کشور بترسند...

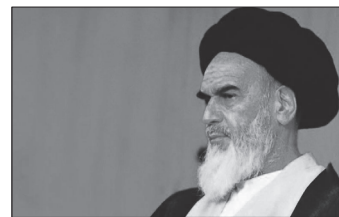
«شجاعت در برابر هیبت دشمن، جزو شاخص هاست. در مقابل دشمن اگر مسئولین کشور احساس رعب و خوف بکنند، بر سر ملت بلاهای بزرگ خواهد آمد. آن ملت‌هایی که ذلیل و مقهور دست دشمن شدند، عمده‌ی علت این بود که مسئولان - پیشروان قافله‌ی ملت - شجاعت لازم، اعتماد به نفس لازم را نداشتند. گاهی در بین آحاد مردم عناصر مؤمن، فعال، فداکار، آماده‌ی به جانبازی هستند، منتها مسئولین و رؤسا وقتی خودشان این آمادگی را ندارند، نیروهای آنها هم از بین می‌رود و این ظرفیت هم نابود می‌شود. آن روزی که شهر اصفهان در دوره‌ی شاه سلطان حسین مورد غارت قرار گرفت و مردم قتل عام شدند و حکومت باعظمت صفوی نابود شد، خیلی از افراد غیور بودند که حاضر بودند مبارزه و مقاومت کنند؛ اما شاه سلطان حسین ضعیف بود. اگر جمهوری اسلامی دچار شاه سلطان حسین‌ها بشود، دچار مدیران و مسئولاتی بشود که جرأت و جسارت ندارند؛ در خود احساس قدرت نمی‌کنند، در مردم خودشان احساس توانائی و قدرت نمی‌کنند، کار جمهوری اسلامی تمام خواهد بود.» ● ۸۷/۹/۲۴

به سرزمین‌های آنان جنگ انداخته و مرزهای آبی و خاکی کشورشان را اشغال کرده‌اند... فریاد برائت ما، فریاد دفاع از مکتب و حیثیات و نوامیس، فریاد دفاع از منابع و ثروت‌ها و سرمایه‌ها، فریاد دردمندان ملت‌هایی است که خنجر کفر و نفاق قلب آنان را دریده است. ● مرداد ۱۳۶۶

برائت مردم لبنان و فلسطین و همه‌ی ملت‌ها و کشورهای دیگری است که بر قدرت‌های شرق و غرب، خصوصاً آمریکا و اسرائیل به آنان چشم طمع دوخته‌اند و سرمایه‌ی آنان را به غارت برده‌اند و نوکران و سرسپردگان خود را به آنان تحمیل نموده‌اند و از فواصل هزاران کیلومتر راه

فریاد برائت ما، نشانه چیست؟

فریاد برائت ما فریاد مردم مسلمان آفریقا است، فریاد برداران و خواهران دینی ما که به جرم سیاه بودن، تازیانه‌ی ستم‌سپه‌روان بی‌فرهنگ نژادپرست را می‌خورند. فریاد برائت ما، فریاد



شرح حدیث

حج مایه آرامش و سکونت دل به انسان است

قال الباقر (ع) «...وَالصَّيَامُ وَالْحَجُّ تَسْكِينُ الْقُلُوبِ» (۱). هم روزه و حج مایه‌ی سکونت دل هستند. سکونت دل یکی از آن نعمت‌های بزرگ خدا است: «أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ»، «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ»؛ سکینه، یعنی آرامش دل. آرامش دل به معنای بی‌خیالی نیست، به معنای بی‌دغدغه‌ای نیست؛ به معنای این است که دل تلاطم ندارد... از دو جهت، حج هم همین جور است: هم از جهت ذکر و توجهی که در حج وجود دارد - خب، توجهات و اذکار در حج خیلی زیاد است دیگر؛ صلات است، طواف است، سعی بین صفا و مروه است، ذکر الله است و عرفات است، از اول تا آخر آن ذکر و توجه است؛ هم از این جهت ذکر الهی است که: «إِلَّا يَذْكُرِ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» - هم شاید از این جهت که مسلمان، مؤمن به خاطر حوادث دنیا نگرانی‌هایی دارد. همینطور که دشمنی‌های جبهه‌ی خبیث دشمن در مقابل ما ایستاده و یک نگرانی‌هایی، دغدغه‌هایی، دلوپرسی‌هایی به وجود می‌آید؛ وقتی انسان به حج می‌رود، آنجا می‌بیند این جمعیت مسلمانها را که از همه‌ی اقطار عالم آمدند، احساس می‌کند که تنها نیست؛ این احساس عدم تنهایی، یک آرامشی به قلب انسان می‌دهد... پس حج از این جهت هم که نگاه به مجموعه‌ی مسلمانها است، سیاه و سفید و زرد و انواع و اقسام ملیت‌ها و اقوام و جغرافیای مختلف آنجا جمع می‌شوند، ثور خانه‌ی خدا طواف می‌کنند، همه یک عمل را انجام می‌دهند، این یک آرامشی به انسان می‌بخشد. ● ۹۷/۱۱/۱۴

(۱) امامی طوسی، مجلس یازدهم، ص ۲۹۶

انسان ۲۵۰ ساله

امام جواد، مبتکر بحث‌های آزاد اجتماعی

مبتکر بحث آزاد اجتماعی امامی جواد (ع) است. البته قبل از امام جواد هم در زمان ائمه بحث زیاد می‌شد، اما این‌یکه حالا بنشینند جمعاً صحبت کنند امام جواد اول بار این کار را کردند. ۶۰/۲/۲۲ در محضر مأمون عباسی، با علما و داعیه‌داران و مدعیان و موجبان، درباری دقیق‌ترین مسائل حرف زد و استدلال کرد و برتری خود را و حقانیت سخن خود را ثابت کرد. بحث آزاد، میراث اسلامی ماست، بحث آزاد در زمان ائمه‌ی هدی رائج بوده است و در زمان امام جواد به وسیله‌ی آن امام بزرگوار با آن شکل نظیف انجام گرفته است. ● ۶۰/۲/۲۵



نماز جماعت به امامت رهبر انقلاب در جریان سفر به استان همدان، تیر ۸۲

در میان شهرهای عالم، شهری مانند همدان کم است

من برای شهر همدان و برای این مجموعه‌ی استثنائی از دو جهت احترام و ارزش قائلم: اول، از جنبه‌ی ارزش تاریخی و گذشته‌ی بسیار پرشکوه مدنی و علمی. در میان همه‌ی شهرهای عالم به ندرت می‌توان شهری را پیدا کرد که با سابقه‌ی شهر همدان بر سر پا باشد. جهت دوم، نقش آفرینی مردم همدان و شهر همدان در تاریخ معاصر ماست؛ چه در دوران نزدیک به انقلاب، و چه در دوران انقلاب. ● ۸۳/۴/۱۵

خانواده ایرانی

به مناسبت سالروز ازدواج حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) و حضرت زهرا (س)

ازدواج را آسان بگیرد

مسأله‌ی ازدواج که شما گفتید، دولت یا همین «شورای عالی جوانان» می‌تواند فکری در باره‌ی آن بکند؛ لیکن مسأله‌ی ازدواج، یک مسأله‌ی کاملاً فردی و شخصی است. خانواده‌ها باید فکر کنند؛ دستگاه‌های دولتی و عام، باید توصیه‌های عمومی بکنند. من خودم توصیه‌ام این است که ازدواج را آسان بگیرند؛ مهر به‌هاز یاد نشود؛ جهیز به‌ها سنگین نشود؛ مراسم مهمانی‌ها، خیلی ریخت و پاش نشود و اسراف آمیز نباشد. باید روی این کار شود. چقدر خوب است که از لحاظ فرهنگی و هنری تبلیغ شود، تا مردم اینها را فراموش نکنند. اگر این را فراموش کردند، من فکر می‌کنم که ازدواج آسان خواهد شد. ● ۷۷/۲/۷

حزب الله این است

تفاوت بین انقلابی مثبت با انقلابی منفی

انقلابی مثبت بودند. حاضر بودند آب و پشان را هم خرج کنند. آنجایی که فکر می‌کردند وجودشان می‌تواند کمکی بکند، با همه‌ی وجود حاضر بودند. اگر جبهه بود، یک‌طور؛ اگر دانشگاه بود، یک‌طور؛ اگر میدان فرهنگی یا سیاسی بود، وارد میدان می‌شدند. انقلابی منفی، خودش را از کار کنار می‌گیرد؛ اما اگر یک‌وقت کاری هم به دستش افتاد، مثل آدم‌هایی که هیچ کاری در دستشان نیست، حالت منفی‌بافی و شکل‌پویشی به خودش می‌گیرد؛ گانه در هیچ کاری مسئولیت ندارد؛ انقلابی مثبت حتی اگر هیچ‌کاره هم باشد، خودش را مسئولترین افراد می‌داند و وارد میدان می‌شود. ● ۷۹/۱۲/۹

ما از اول انقلاب دو گونه انقلابی داشتیم و انقلابیون ما دو گونه نقش ایفا کردند. بعضی از انقلابیون، انقلابیون مثبت بودند؛ بعضی از انقلابیون هم انقلابیون منفی بودند. در اوایل انقلاب، انقلابی منفی به آن انقلابی‌ای می‌گفتیم که از میدان کار و تلاش و حرکت، آنجایی که در دسری داشت، عقب می‌کشید. انقلابی بود، اما انقلابی و جاهت‌طلب و راحت‌خواه؛ انقلابی‌ای که می‌گفت من مبارز نام را قبل از انقلاب کرده‌ام، اکنون دیگر می‌خواهم احترام شوم. بنابراین، چنین کسانی به میدان خطر و در دسرو و آنجایی که چهار نفر آدم از انسان گله‌مند می‌شوند، وارد نمی‌شدند. یک عده هم

خطرات رهبری

وسایلی که رهبر انقلاب در زندان همراه خود داشت

همراه من یک قرآن، تسبیح، دفتر چپی تلفن و دفتر سفینه‌ی غزل بود، به اضافه‌ی کتاب تذکره‌المتقین که حاوی مجموعه‌ی رسائل و اذکار عده‌ای از علما و فقهای بزرگ است، مرا به سلولی بردند. دقایقی پس از آنکه مرا در سلول انداختند، در سلول باز شد و یک نظامی وارد شد. بعداً فهمیدم که نامش «استوار زمانی» است. استوار زمانی وارد شد و گفت: با خودت چه داری؟ گفتم: می‌توانی بگردی. او شروع کرد به بازرسی و گشتن. قرآن را بیرون آورد، به آن نگاه انداخت و گفت: این قرآن است؛ اشکالی ندارد، می‌توانی آن را ننگه داری، ظاهراً وقتی مبلغ پول ناچیز را در جیب من دید، متأثر شد و دلش سوخت. بعد راجع به کتاب تذکره‌المتقین پرسید و گفت: این کتاب دعا است؟ می‌خواست از من پاسخ مثبت بشنود تا کتاب را هم پیش من بگذارد. اما به او گفتم: این کتابی در زمینه‌ی عرفان است و... سختم را قطع کرد و گفت: بله، کتاب دعا است، کتاب دعا است؛ اشکالی ندارد، می‌تواند پیش شما بماند. این برخورد به روشنی نشان می‌داد که این مرد قصد کمک به من دارد. او به جز دفتر چپی تلفن که در جیبم بود، چیز دیگری از من نگرفت. رفت و من تنها ماندم. ●

منبع: خون دلی که لعل شد

مسئله روز

زندگی بهشتی

زندگی بالبخند است

یکی از مقوله‌های بسیار مهم و یقیناً یکی از ضرورت‌های جامعه، لبخند است. لبخند یکی از نیازهای زندگی انسان است. زندگی بیشادی و بی‌لبخند، زندگی دوزخی است. زندگی بهشتی، زندگی بالبخند است. حضرت علی فرمود: «المؤمن بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه»؛ اگر غصه‌ای دارید، باید در دلتان ننگه دارید؛ مؤمن این‌طوری است. لبخند و شادی مؤمن در چهره‌ی اوست. اصلاً چهره‌ها باید شاد باشد. اگر با چهره‌ی خودتان می‌توانید به جامعه شادی بدهید، باید این کار را بکنید. ● ۷۱/۱۰/۱